

پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۸۷-۱۱۳

ارتباط مسئولیت اجتماعی و مسئولیت کیفری تعامل یا تقابل

فرید محسنی* - سعید جوهر**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰)

چکیده

تخصّصی کردن شاخه‌های مسئولیت، نگرش نوینی در علم حقوق به‌شمار می‌رود. اساساً هدف اصلی در تحمیل انواع مسئولیت‌ها، جبران زیان متضرر اعم از فرد یا جامعه است و شاخه‌های تخصّصی مسئولیت، امکان این جبران را به بهترین شکل فراهم می‌کند. یکی از شاخه‌های مسئولیت (که به شکل جدیدی در حال شکل‌گیری و گسترش می‌باشد) مسئولیت اجتماعی است. این نوع از مسئولیت در اثر نقض تعهدات اجتماعی پدید می‌آید و با سایر انواع دیگر مسئولیت از جهات گوناگون تفاوت دارد. جایگاه این شاخه از مسئولیت و ارتباط آن با شاخه‌های سنتی مسئولیت، به‌ویژه مسئولیت کیفری و نقاط اشتراک و افتراق و معیارهای تفکیک آن دو از نکته‌های بسیار مهم و جدید بوده و موضوع اصلی این مقاله است.

کلمات کلیدی: مسئولیت اجتماعی، مسئولیت کیفری، تعهدات مبنایی

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق شرکت‌های تجاری دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

Email: saeed.johar@yahoo.com

(نویسنده مسؤول)



مقدمه

در عالم حقوق، "مسئولیت" به تعهد قانونی شخص بر جبران ضرری که به دیگری وارد کرده است، گفته می‌شود. خواه این ضرر ناشی از تقصیر ایجادکننده‌ی ضرر باشد، یا این که ضرر در اثر فعالیت او به دست آمده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۶۴۲). در یک تقسیم‌بندی سنتی، مسئولیت به دو نوع کلی تقسیم شده است: ۱- مسئولیت اخلاقی ۲- مسئولیت قانونی و یا حقوقی که خود به چهار زیرشاخه‌ی مسئولیت مدنی، کیفری، اداری و بین‌المللی تقسیم می‌شود.

مسئولیت اخلاقی عبارتست از مسئولیتی که قانون‌گذار متعرض آن نشده و تنها ضمانت اجرای درونی و وجدانی داشته و فقط وجهه‌ی مسئولیت در برابر خدا یا خود انسان یا وجدان اوست و ضمانت اجرای حقوقی ندارد (همان، ص ۶۴۲). برخی نیز آن را به معنای قابلیت مدح و ذم اجتماعی دانسته‌اند (Strawson, 1999, p. 22). عده‌ای دیگر آن را به معنای توانایی و قابلیت توضیح و تفسیر یک رفتار یا یک صفت آورده‌اند (Fisher, 2002, p. 94). در مواردی نیز این مسئولیت را به معنای «در معرض مجازات بودن» یا «مسئولیت در برابر خداوند که نتیجه‌ی آن مجازات و کیفر اخروی است» بیان کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱ ص ۱۲۰) و در مقابل مسئولیت حقوقی مواردی است که در قانون احصاء شده و ضمانت اجرای قانونی (کیفری و مدنی) دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۵۱۲). مسئولیت کیفری نیز از انواع سنتی مسئولیت‌هاست که هدف آن کیفر مرتکبان جرایم در حیطه‌ی قانون است. اما مسئولیت اجتماعی، شاخه‌ی نوینی از مسئولیت بوده و از معیارهای رفتار مسئولانه در اجتماع و مسئولیت‌پذیری در قبال اجتماع، بحث می‌کند. بنابراین مسئولیت کیفری با ضمانت اجراهایی که دارد، در ایجاد احترام به ارزش‌های اجتماعی با جامعه همکاری دارد و مسئولیت اجتماعی، تعهداتی فراسوی قانون و قراردادهای خصوصی را به اشخاص تحمیل می‌کند و زمینه‌ی پیشرفت جامعه را فراهم می‌آورد (Mc Guire, 1963, p. 245).

پرسش اصلی اینجاست که آیا مسئولیت اجتماعی و مسئولیت‌های کیفری از یکدیگر مجزا هستند و اگر مجزا هستند چه نوع رابطه‌ای از نظر منطقی با هم دارند؟ آیا قائل به تفکیک بنیادین میان این مسئولیت‌ها شویم و یا این که رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق یا



من وجه دارند؟ و آیا مسئولیت اجتماعی پیش‌زمینه‌ی مسئولیت کیفری می‌باشد و یا این که نقض ارزش‌ها در هر دو یکی است، به هر حال ضمانت اجرا در این نوع مسئولیت مغفول مانده است؟ برای روشن شدن بحث، باید ابتدا ماهیت این دو نوع مسئولیت و خاستگاه آن‌ها تبیین شود تا پاسخ سوال‌های مختلف در این زمینه را به دست آورد.

مسئولیت اجتماعی

امروزه، بحث از مسئولیت اجتماعی با اشخاص حقوقی و به‌ویژه شرکت‌های تجاری قرین و عجین شده است. دلیل این ادعا آن که شرکت‌های تجاری اصلی‌ترین اشخاصی هستند که در جامعه‌ی امروزی با تعهدات اجتماعی در ارتباط هستند. اما تاریخچه‌ی این موضوع نشان می‌دهد که در ابتدا این نوع مسئولیت برای تجار حقیقی پیش‌بینی شده بود و پس از آن به شرکت‌های تجاری نیز تسری یافت. به همین دلیل پس از اشاره به تاریخچه‌ی این بحث، تعریف‌ها و نظریه‌های موجود را بررسی می‌کنیم.

تاریخچه

آغازگر و طراح مفهوم مسئولیت اجتماعی، هاوارد بوون^۱ آمریکایی است. وی اولین شخصی بود که در سال ۱۹۵۳ و در کتاب خود «چه مسئولیت‌هایی از تجار در مقابل جامعه می‌توان انتظار داشت»^۲ مفهوم مسئولیت اجتماعی تجار در مقابل جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند را مطرح کرد. به عقیده‌ی بوون، مسئولیت اجتماعی، تعهد تجار حقیقی در راستای احترام به قواعد و هنجارهای موجود در جامعه، ارزش‌ها و سنت‌های مردم، پیروی از سیاست‌های عمومی در تصمیم‌ها و فعالیت‌های آنان است (Gond & Mullenbach-Servayre, 2004, p.5). ملاحظه می‌شود که در بیان بوون، از مسئولیت تجار صحبت می‌شود و نه شرکت‌های تجاری. در واقع دامنه‌ی بحث از مسئولیت‌های اجتماعی تجار به عنوان اشخاص حقیقی، آغاز و سپس به شرکت‌ها به عنوان اشخاص حقوقی گسترش یافته است. تا آنجا که امروزه هنگامی که از مسئولیت اجتماعی سخن به میان می‌آید، بی‌درنگ مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به ذهن متبادر می‌شود. به همین ترتیب، هر چند بوون نخستین

1. Howard R. Bowen

2. What responsibilities to society may businessmen reasonably be expected to assume?



فردی است که به موضوع مسئولیت اجتماعی تجار حقیقی در مقابل جامعه پرداخت و اصطلاح مسئولیت اجتماعی^۱ را ابداع کرد، اما بنا بر آنچه بیان شد او را بنیانگذار و پدر این شاخه‌ی نوین از مسئولیت شرکت‌ها نامیده‌اند (Carroll, 1999, p. 27).

تعریف

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مسئولیت‌هایی را پوشش می‌دهد که شرکت‌های تجاری در مقابل جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، دارند. از این مفهوم در هر کشور و با توجه به تفاوت‌ها و گستردگی نوع مسئولیت اجتماعی، برداشت‌های مختلفی شده است؛ از نظر بعضی از کشورها، مسئولیت اجتماعی، شکل خاصی از مسئولیت حقوقی می‌باشد؛ به اعتقاد گروهی دیگر، این مسئولیت، با اخلاق تجاری و رفتار اجتماعی مسئولانه ارتباط دارد و نیز گفته شده است که این مسئولیت فعالیت‌های خیرخواهانه‌ی شرکت را دربر می‌گیرد (Debray, 2000, p. 140). با دقت در این مفهوم درمی‌یابیم که «مسئولیت» به معنی الزام نیست؛ چرا که فعالیت شرکت‌ها در این زمینه اختیاری است.

تعریفی که کمیسیون اروپا از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ارائه می‌دهد، عبارت است از: «ادغام اختیاری دغدغه‌های اجتماعی و زیست محیطی شرکت‌ها با فعالیت‌های تجاری آنان در ارتباط با اشخاص ثالث^۲ درگیر با شرکت». این تعریف یعنی شرکتی که از نظر اجتماعی مسئول است، فقط تعهدات قانونی لازم‌الاجرا را رعایت نمی‌کند، بلکه فراسوی تعهدات قانونی رفته و مواردی را به صورت اختیاری انجام می‌دهد. اساساً شرکت در زمینه‌ی سرمایه‌های انسانی، ارتباط با اشخاص ثالث و حفاظت از محیط زیست سرمایه‌گذاری می‌کند و این فعالیت‌ها در یک جمله یعنی: «عمل درست در زمان درست». (Rosé, 2006.p.3).

شورای جهانی کسب و کار برای توسعه‌ی پایدار^۳، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را این گونه تعریف می‌کند: «تعهدات شرکت برای تطابق با رفتارهای اخلاقی و مشارکت در توسعه‌ی اقتصادی در عین بهبود کیفیت سطح زندگی کارگران و خانواده‌هایشان،

1 Social Responsibility (SR) - Responsabilité Sociale (RS)

2 Parties Prenantes

3 Le Conseil mondial des entreprises pour le développement durable (Fr) / World Business Council for Sustainable Development (WBCSD) (En)



مشارکت در توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای جامعه‌ای که شرکت در آن فعالیت می‌کند.» (Field, 2008, p.102).

یکی از تعاریف قدیمی که در سال ۱۹۷۹ از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ارائه شده است، این مسئولیت را صدماتی معرفی می‌کند که در نتیجه‌ی فعالیت و تصمیم‌های یک شرکت در طول یک دوره‌ی زمانی مشخص، در زمینه‌ی اقتصادی، حقوقی و اخلاقی به جامعه وارد می‌شود (Carroll, 1979, p.97). در واقع، شرکت‌های تجاری در روزگار ما در معرض فشارهای شدیدی از سوی جامعه هستند. از جمله: عوام مردم، سهامداران، کارگران شرکت، مشتریان و مصرف‌کنندگان، قوانین و مقررات، سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای مدنی و... تحت این فشارها و مسئولیت‌های نامحدود در زمینه‌ی اقتصاد، اجتماع و محیط زیست، وظایف سنگینی بر شرکت بار می‌شود (Joras, Igalens & Mancy, 2002, p.42).

به گفته‌ی یکی از نویسندگان، دوره‌ای که تنها وظیفه‌ی شرکت‌ها، تولید اقتصادی بود، گذشته است و اساساً دامنه‌ی وظایف آنها متحول شده است (Frederick, Davis & Poet, 1988, p.125). راهکار حل این موضوع نگاه شرکت به این وظایف اجتماعی به‌عنوان یک راهبرد توسعه‌ای می‌باشد. یعنی اول این که دستیابی به این اهداف را که در چارچوب وظیفه و یا مسئولیت بر شرکت تحمیل می‌شود، به‌عنوان یک امر هزینه‌بردار نگاه نکند؛ چرا که در درازمدت سود سرشاری برای شرکت به ارمغان می‌آورد و باعث شهرت تجاری شرکت می‌شود، دوم این که زمینه‌ی منفعت عمومی را برای شرکت فراهم می‌کند که در نهایت تبدیل به منفعت شخصی شرکت می‌شود (Drucker, 1957, p. 45).

با گسترش فعالیت شرکت‌ها و همگام با توسعه صنعت و فناوری و محدودیت منابع و نیز افزایش جمعیت، مفهوم مسئولیت اجتماعی متحول گردیده و امروزه چنین معنایی از مسئولیت اجتماعی مورد توجه غالب حقوقدانان و نیز شرکت‌های تجاری قرار گرفته است. موضوع بسیار مهمی که به نظر برخی از حقوقدانان باید قبل از پرداختن به مسئولیت اجتماعی به آن توجه کنیم، مفهوم بنگاه تجاری است. به عقیده‌ی این گروه، شرکت تجاری تنها در زمان تشکیل شرکت به صورت قانونی معنا می‌یابد و پس از این شرکت از حالت قراردادی به حالت تأسیسی در می‌آید و شکل یک بنگاه تجاری با اموال و دارایی‌ها و کارگران و کارمندانی به خود می‌گیرد.



از نظر مکتب آزادی اقتصادی، بنگاه تجاری یک واقعیت صرف اقتصادی است. بر مبنای این نظریه تنها هدف مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های تجاری، دستیابی حداکثری سود برای سهامداران آن است و هدفی غیر از این برای این مفهوم متصور نیست. میلتن فریدمن^۱ مشهورترین نظریه پرداز این نظریه است. بر مبنای نظریه وی مدیران و مالکان شرکت مسئولیت‌های اجتماعی دارند نه سهامداران (Friedman, 1970, p.148). امروزه این نظریه قابل قبول نیست و هر شرکتی که به منافع سهامداران خود توجه صرف داشته باشد، در صحنه فعالیت اقتصادی در سطح جامعه از قبیل بازاریابی برای محصولات خود دچار مشکل خواهد شد؛ چرا که مردم جامعه از حقوق خود آگاه شده‌اند و با این آگاهی که در نتیجه‌ی توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی پدید آمده است، به‌طور کامل می‌دانند که هر چند هدف اولیه و اصلی شرکت‌های تجاری سوداگری و جلب منفعت می‌باشد اما شرکت در اهداف ثانویه‌ی خود باید به جامعه توجه کند و حتی این عقیده نیز وجود دارد که شرکت موازی با هدف سودآوری خود باید به زمینه‌های اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته باشد و این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مفهومی در حال تحول و دگرگونی بوده و در وهله‌ی اول کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری است؛ یعنی نمی‌توان گفت مردم تا چه اندازه به اقدام‌های یک شرکت در سطح جامعه، توجه می‌کنند، زیرا در واقع رضایت مردم غیرقابل اندازه‌گیری است (Turcotte & M'Zali, 2004, p.62). از طرف دیگر، این مفهوم بسیار متغیر می‌باشد. از آنجا که ارزش‌های موجود در هر جامعه‌ای با جامعه‌ی دیگر تفاوت دارد و به‌طور دایم در حال تغییر هستند، شرکت‌ها نیز باید خود را مطابق با این تنوع انطباق دهند (Okoye, 2009, pp. 613-627).

به‌طور کلی باید توجه کرد که اساساً مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از کشوری به کشور دیگر متغیر و شاید در بعضی موارد متضاد باشد. فرهنگ‌ها و جهان‌بینی مردم هر جامعه به این تغییر و تضاد دامن می‌زند و شرکت‌ها را با مسئولیتی مواجه می‌کند که متغیر، متضاد و متحول است. به گفته‌ی دلالیو، مفهوم مسئولیت اجتماعی مانند چتری می‌ماند که خواسته‌های متفاوت و گاهی وقت‌ها به‌طور کامل متناقض را پوشش می‌دهد. (Delalieux, 2005, p.85). پاسکرو این گونه بیان می‌کند که هر دوره‌ای از تاریخ خواسته‌ها و عقاید

1. Millton Friedman



خاص خود را به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تحمیل می‌کند و در دوره‌ای که ما در آن قرار داریم، مفهوم اخلاقی مسئولیت اجتماعی جای خود را به مفهوم اخلاقی بشردوستانه داده است (Pasquero, 2005, pp.80-112). نکته‌ی مهمی که باید بیان کنیم این که مفهوم مسئولیت اجتماعی، تنها شامل شرکت‌های خصوصی نمی‌شود؛ بلکه دولت‌ها و سازمان‌ها در سطح جهان و کشورها را نیز شامل می‌شود.

۱-۱-۲. تعریف پیشنهادی

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، از بدو ایجاد، با مشکل‌ارایی تعریفی جامع روبه‌رو بوده است؛ هرچند که تعریف‌های متعددی از سوی حقوق‌دانان و سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی از آن انجام شده است. برخی از نویسندگان چنین ادعا کرده‌اند که در مورد تعریف و واژه‌شناسی این بحث، همه‌ی موضوعات به‌طور کلی حل شده و ابهامی باقی نمانده است اما این گفته را نمی‌توان به آسانی پذیرفت (Allouche, Huault & Schmidt, 2005, p.202/ Capron, 2009, pp.58-59).

پس از بررسی تعریف‌هایی که در این زمینه انجام شده است، باید تعریفی جامع از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ارائه شود که نخست تمام معیارهای مسئولیت اجتماعی را داشته و همچنین با نیازهای کنونی هم‌خوانی داشته باشد؛ پس مسئولیت اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کنیم:

«مسئول بودن در برابر نقض تعهدات اجتماعی، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های انسانی و ایجاد رابطه با سازمان‌ها و گروه‌های حامی حقوق بشر و در عین حال ساخت آینده‌ی جامعه با هدف توسعه‌ی پایدار با نگرش فعال در باره‌ی محیط زیست پیرامونی و توجه به منابع و میراث مشترک بشریت.»

مسئولیت کیفری

مسئولیت را به معنای تعهد قانونی شخص برای جبران ضرری که به دیگری وارد کرده است، تعریف کردیم. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت ناشی شده باشد. در فقه مسئولیت معادل با ضمان است (جعفری لنگرودی، همان ص ۶۴۲). مسئولیت همواره با التزام همراه می‌باشد. در قلمرو حقوق کیفری، این التزام تقبل آثار و عواقب افعال



مجرمانه است، یعنی تحمل مجازاتی که سزای افعال سرزنش آمیز بزهدکار به شمار آید (اردبیلی، ۱۳۸۶ ص. ۷۴). در واقع مسئولیت کیفری، پل ارتباطی بین عمل مجرمانه و کیفر است (Rousseau, 2009, p.355). چنانچه عمل مجرمانه از سوی شخصی با شرایط خاص انجام شود، موجبات ایجاد مسئولیت برای او می شود و مجازات را برای وی به همراه دارد. حقوق دانان نیز در تعریف مسئولیت کیفری به این موضوع توجه دارند. به نظر ایشان، مسئولیت جزایی عبارت است از انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به شخص یا اشخاصی که با انجام بزه، به قوانین جزایی خود، تجاوز کرده اند و توان تحمل بار مجازات را دارند (نوربها، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷).

در حقیقت مسئولیت کیفری ضمانت اجرا و واکنش اجتماع در قبال نقض ارزش های مورد حمایت جامعه توسط بزهدکار بوده و به صورت مجازات اعمال می شود. اجرا و اعمال مسئولیت کیفری، نیازمند سه عنصر اساسی مادی، روانی و قانونی است. همان طور که بیان شد، عنصر مادی جرم را باید براساس اصل قانونی بودن جرم ها و مجازات ها در مواد قانون مجازات هر کشوری جست و جو و برداشت کنیم؛ این عمل شاید یک فعل مثبت^۱ یا منفی^۲، یک عمل فوری^۳ و یا مستمر^۴ باشد. بنابراین جرم شاید به صورت ترک فعل محقق شود که این امر، موضوع مسئولیت کیفری را با مسئولیت اجتماعی بسیار نزدیک می کند که در ادامه آن را توضیح می دهیم.

عنصر روانی مسئولیت کیفری همان قصد مجرمانه مجرم برای ارتکاب جرم است. قصد مجرمانه را می توان به این صورت تعریف کرد: اراده ای که شخص را به سمت و سوی هدف غیر قانونی و نامشروع سوق می دهد. مجازات کردن شخص فاقد قصد ارتکاب جرم، نكوهش اجتماعی را در پی خواهد داشت (Valérie, 2009, pp. 28-33) و نتیجه ی عکس بر آثار مجازات ها می گذارد. البته به همین سادگی نباید به اطلاق این گفته اکتفا کنیم. برخی از افعال مجرمانه، نیاز به قصد مجرمانه نخواهند داشت. حتی بدون داشتن اراده ای که گفتیم، نتیجه و هدفی مجرمانه را در پی خواهد داشت که به اعتبار همین هدف، عنصر

^۱ Fait Positif

^۲ Fait négatif

^۳ Fait instantané

^۴ Fait prolongé



روانی مفروض است. در واقع بحث بر سر جرم‌هایی می‌باشد که بدون قصد^۱ به وقوع می‌پیوندند. اگر بخواهیم این جرم‌ها را تعریف کنیم، جرم‌هایی هستند که صرف اثبات وقوع آن‌ها، باعث تحمیل مسئولیت به اشخاص می‌شود. اساساً نوع اخیری که بیان کردیم، از نظر توسعه‌ی دانش بشریت و حمایت از اشخاص در مقابل پدیده‌های نوین بشری قرار دارد. نمونه‌ی بارز این جرم‌ها، بی احتیاطی در امر رانندگی است که بدون وجود قصد مجرمانه، مسئولیت ایجاد می‌شود. در مورد عنصر مادی بحث زیادی وجود ندارد و صرف رخ دادن فعل مورد نظر قانونی، باعث ایجاد مسئولیت می‌شود و اثبات رخ دادن این عنصر، برای تحمیل مسئولیت کافی می‌باشد (Dubois, 2008, p.13). این نکته ظریف در موضوع عنصر روانی، برای مقایسه‌ی مسئولیت کیفری و اجتماعی بسیار مهم است. زیرا اساساً در زمینه‌ی انتساب مسئولیت به شرکت‌ها، دو موضوع مهم قابلیت طرح دارد: اول، تبیین اراده و تصمیم به شخص حقوقی. با این توضیح که موضوع قصد و اراده در دنیای حقوق، اصالتاً به انسان مختار قابل انتساب است. دوم، پذیرش مسئولیت در جرم‌های مادی صرف که به آن اشاره شد و در آن‌ها عنصر روانی مفروض دانسته شده و یا اساساً نیازی به وجود آن‌ها نیست. این موارد مفهوم دو مسئولیت کیفری و اجتماعی را بسیار به یکدیگر نزدیک می‌کند.

سال‌های متمادی بود که حقوق جزا فقط اشخاص حقیقی را به عنوان مجرم می‌شناخت و مسئولیت اشخاص حقوقی به دلایلی از جمله عدم احراز سوءنیت و نبود امکان اجرای برخی مجازات‌ها راجع به آنان به نوعی محل مناقشه بود. اما امروزه و به دنبال توسعه‌ی شخصیت حقوقی و نیاز شدید بشریت به فعالیت در این قالب، در قانونگذاری کشورهای مختلف، این بحث پذیرفته شده است و به تدریج در حال ورود به لسان قانون‌گذاران می‌باشد (Olivier, 2008, pp.7-13). قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ نیز این مسئولیت را شناسایی کرده است.

مسئولیت اشخاص حقیقی را نسل اول و مسئولیت اشخاص حقوقی را به عنوان نسل دوم مسئولیت‌ها می‌شناسند (Bernard, 2009, pp. 2286-2287). نسل اول مسئولیت‌ها مورد قبول و پذیرش همه‌ی قانون‌گذاران است و اختلافی در این باره نیست. هرچند که در باب این موضوع نیز مناقشاتی راجع به پذیرش این نوع مسئولیت برای حیوانات و اشیاء وجود

¹ Infractions non-intentionnelles



داشته است اما همه‌ی این موضوعات امروزه حل شده و مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی پذیرفته شده است. نسل دوم مسئولیت که همان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌باشد، در حال توسعه و ورود به قوانین کشورهاست. این نسل از مسئولیت هم‌سو با نیازهای جامعه‌ی بشری در حال بسط و گسترش است (Planque, 2009, pp. 11-19). مسأله‌ی دیگری که در اینجا باید به آن اشاره کنیم، این که مسئولیت کیفری همواره مجازات را به دنبال خواهد داشت. این مجازات‌ها براساس لطمه‌ای که به ارزش‌های جامعه وارد می‌کند و با در نظر گرفتن زمان و مکان و نوع جرم و هنجارهای موجود در جامعه تفاوت دارد. یکی از مهم‌ترین شیوه‌های کیفر، روش‌های سرکوب‌گرانه است که به نظر بیشتر قانون‌گذاران، مناسب‌ترین روش به حساب می‌آید. هدف نهایی انواع مجازات‌ها، حمایت از جامعه و مصون نگه داشتن آن از تعدیات به ارزش‌ها و هنجارهاست. اما نکته‌ی قابل تأمل آن است که با توجه به فعالیت تخصصی بسیاری از شرکت‌ها و ناآشنایی عموم جامعه با آثار و مضرات ناشی از برخی از این قبیل فعالیت‌ها، در واقع افراد جامعه به دلیل ندانستن، از حقوق تضییع شده خود دفاع نمی‌کنند. به عبارت دیگر، عدم واکنش متناسب اجتماعی، به دلیل ندانستن جامعه به نقض حقوق خود می‌باشد. این موضوع مباحث ارزشمندی را در زمینه‌ی جرم‌های یقه سفیدها در قلمرو جرم‌شناسی پدید آورده که به‌عنوان دلیل نبود جرم‌انگاری توسط حقوق جزا شناخته می‌شود. هرچند این مطلب دامنه‌ی بحث دو مسئولیت کیفری و اجتماعی را به یکدیگر نزدیک می‌کند اما از این نظر که در این مقاله غرض طرح مطالب از دیدگاه حقوق جزا می‌باشد، از این رو توضیح بیشتر در این‌باره را به مجال دیگری موکول می‌کنیم.

۳. مقایسه‌ی مسئولیت کیفری و مسئولیت اجتماعی

۳-۱. تفاوت‌ها

۳-۱-۱. تفاوت در قلمرو مسئولیت کیفری و مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی در مفهوم گسترده‌ی خود قلمرو وسیعی را دربر می‌گیرد که شامل اجتماع انسانی، اقتصاد ملی و حتی بین‌المللی و محیط زیست طبیعی می‌شود و به‌عبارتی مشتمل بر تمام ابعاد اجتماعی از جمله آموزش و محیط زیست و ارتباط با اشخاص ثالث



گرفته تا کار و اداره‌ی شرکت می‌شود^۱ (Roland, 2002, p.140). بنابراین، در بحث مسئولیت اجتماعی، اجتماع در مفهوم گسترده‌ی خود مد نظر است و از آنجا که دامنه‌ی بسیار گسترده‌ای از موضوعات در حیطه‌ی مسئولیت اجتماعی قرار می‌گیرد، شرکت باید در فعالیت‌ها و اقدام‌های خود همه‌ی جوانب یادشده را مد نظر قرار دهد. همان‌طور که در تعریف مسئولیت اجتماعی بیان شد، این مسئولیت فراقانونی بوده و از این‌رو موضوع‌هایی را که در حیطه‌ی اخلاق و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز قرار دارد نیز دربر می‌گیرد. بر این اساس می‌توان گفت که مسئولیت اجتماعی به نوعی تنظیم‌کننده‌ی روابط شرکت در فعالیت‌های خود با اجتماع در زمینه‌های متنوع، مرتبط و مورد اتمام جامعه است.

اما مسئولیت کیفری، در حیطه‌ی اصل قانونی بودن جرم‌ها و مجازات‌ها تعبیر و تفسیر می‌شود. اساساً جرم، کنشی مخالف با نظم اجتماعی بوده و مجازات و اقدام‌های تأمینی و تربیتی برای آن پیش‌بینی شده باشد (نوربها، ۱۳۸۸، ص ۴۰). در غیر این صورت، اعمال ضد اجتماعی که در قانون جرم‌انگاری نشده است، جرم نیست. این اعمال شاید خلاف اخلاق و در بعضی موارد خلاف عرف باشد و یا حتی شاید عنوان گناه داشته باشد، اما در هر حال جرم نخواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که قلمرو مسئولیت کیفری، محدود به قوانین کیفری است. به عبارت دیگر اصل قانونی بودن جرم‌ها و مجازات، مبنایی برای سنجش مسئولیت کیفری بوده و قوانین موضوعه در کشورهای مختلف دنیا دامنه‌ی این مسئولیت را مشخص می‌کنند.

پس در مقایسه‌ی مسئولیت کیفری و مسئولیت اجتماعی از حیث قلمرو، می‌توان چنین گفت که برخی از مصادیق مسئولیت اجتماعی در شمول مسئولیت کیفری قرار دارد اما برخی دیگر مشمول مسئولیت کیفری نیستند. از سوی دیگر، پاره‌ای از موارد که مشمول ضمانت اجرای کیفری نیستند شاید براساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی جبران خسارت را در پی داشته باشد. بنابراین تبیین این مفاهیم و تفکیک قلمرو آن‌ها از یکدیگر اهمیت دارد که به‌طور خلاصه می‌توان گفت:

۱- برخی از انواع مسئولیت اجتماعی ضمانت اجرای کیفری دارند که در این موارد هر دو نوع مسئولیت بر یکدیگر منطبق می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان به مواد ۱۵ و ۱۶ قانون

۱ به همین دلیل در ادبیات فرانسه از واژه Sociétal استفاده شده است تا شامل همه‌ی این موارد شود.



مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰، جهت تحقق اصل پنجاهم (۵۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که براساس آن و به منظور حفظ محیط زیست کشور از آثار زیانبار پسماندها و مدیریت بهینه آنها، کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و نهادهای دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی که لازمه‌ی شمول قانون بر آنها بیان نام است و کلیه شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند، موارد مقرر در این قانون را رعایت کنند^۱ و تولیدکنندگان پسماندهای ویژه^۲ را موظف می‌کند پسماندهای خود را به حداقل برسانند^۳. نحوه‌ی حفظ و مخلوط کردن، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع و تخلیه‌ی پسماندها در محیط باید طبق این قانون انجام شود^۴. در این گونه موارد، نقض مسئولیت اجتماعی ضمانت اجرای کیفری دارد. در نتیجه هر دو نوع از مسئولیت بر یکدیگر منطبق هستند.

ملاحظه می‌شود که تقنین و تصویب این قوانین و جرم‌انگاری این رفتارها، نشان از دغدغه‌ی قانون‌گذار به حفظ محیط زیست و مسئولیت‌پذیری اشخاص در مقابل محیط زیست و جامعه است.

۲- برخی از انواع مسئولیت اجتماعی، مسئولیت کیفری ندارد اما مسئولیت مدنی در پی دارد. در واقع قانون این گونه موارد را جرم‌انگاری نکرده است اما به لحاظ ضرر ناشی از

۱ ماده ۱ قانون مدیریت پسماند

۲ پسماند ویژه: به کلیه پسماندهایی گفته می‌شود که به دلیل بالا بودن حداقل یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری‌زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن به مراقبت ویژه نیاز داشته باشد و آن دسته از پسماندهای عادی، صنعتی، کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند، جزء پسماندهای ویژه محسوب می‌شوند. بند ۳

ماده ۲ قانون مدیریت پسماند

۳ ماده ۱۵ قانون مدیریت پسماند

۴ ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماند: «نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور تخلیه پسماندها در محیط بر طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن خواهد بود. در غیر این صورت اشخاص متخلف به حکم مراجع قضایی به جزای نقدی در بار اول پسماندهای عادی از پانصد هزار (۵۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و برای سایر پسماندها از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و در صورت تکرار، هر بار دو برابر مجازات قبلی در این ماه محکوم می‌شوند. متخلفین از حکم ماده (۱۳) به جزای نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و در صورت تکرار به دو برابر حداکثر مجازات و در صورت تکرار مجدد هر بار به دو برابر مجازات بار قبل محکوم می‌شوند.»



عملکرد شرکت، مسئولیت مدنی برای آن پدید می‌آید. بر همین مبناست که گروه‌های مختلف اجتماعی طرفدار محیط زیست، شرکت‌ها را عامل اصلی تأثیرگذار بر روی محیط زیست معرفی کردند و خواستار این شدند که شرکت‌ها در مقابل فعالیت‌های اثرگذار بر محیط زیست پاسخگو باشند و آثار زیست محیطی فعالیت‌های خود را به‌طور شفاف افشاء کنند و تبعات و هزینه‌های این فعالیت‌ها را بر روی محیط زیست بپذیرند^۱ (همّت‌فر و دیگران، ۱۳۹۱).

۳- در پاره‌ای از موارد، مسئولیت اجتماعی ضمانت اجرای کفیری و مدنی ندارد. در حقیقت مسئولیت اجتماعی نوعی مسئولیت فراقانونی را شامل می‌شود و جامعه نوعی دیگر از مسئولیت را در قبال استفاده از امکانات اجتماعی و غیره برای شرکت محقق می‌داند. گاهی وقت‌ها شاید این گونه موارد، به مسئولیت‌های اخلاقی نزدیک شود. نظیر مسئولیت شرکت در استخدام کارگر از میان اهالی روستایی که در حوالی آن کارخانه ایجاد کرده است و دیگر مثال‌های متنوعی از این قسم که در آن‌ها مسئولیت کفیری و مدنی پدید نیامده اما امروزه به نوعی برای شرکت مسئولیت قایل هستند.

بنابراین می‌توان گفت که رابطه‌ی منطقی مسئولیت اجتماعی و کفیری از نظر قلمرو به صورت عموم و خصوص من وجه است. یعنی پاره‌ای مصادیق مسئولیت اجتماعی با مسئولیت کفیری بر یکدیگر منطبق هستند و در پاره‌ای از موارد نیز مسئولیت‌ها مستقل از یکدیگر هستند.

۲-۱-۳. تفاوت در نتایج و اهداف اولیه

در تعریف توسعه‌ی پایدار^۲ گفته شده است: «پاسخ به نیازهای نسل حاضر، بدون لطمه زدن به نیازهای نسل‌های آینده.» (Gendron & Réveret, 2000, p.87). توسعه‌ی پایدار، هدف غایی و نهایی مسئولیت‌های اجتماعی بوده و تمامی ضمانت‌اجراهای نقض تعهدات اجتماعی، در راستای دستیابی به این هدف است. در توضیح این موضوع باید گفت که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مشارکت شرکت‌ها در رسیدن به توسعه‌ی پایدار می‌باشد. با تحمیل مسئولیت‌های اجتماعی، شرکت‌ها موظف می‌شوند در عین استفاده از منابع

۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست. (مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۳ و اصلاحیه ۲۴/۸/۱۳۷۱)

اقتصادی جامعه، فقط منافع سهامداران را مد نظر قرار ندهند. به عبارت دیگر، باید استفاده از منابع به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ حقوق سهامداران، نیازهای نسل‌های امروز به کالا و خدمات بدون لطمه زدن به نیاز نسل‌های آینده برآورده شود و این ترجمان توسعه‌ی پایدار است.

در مسئولیت کیفری، هدف نهایی و غایی همان مصونیت جامعه از تعرض به ارزش‌ها و هنجارهای مورد حمایت قانون‌گذار است (Michel, 2008, p. 287). چنان‌که ملاحظه می‌شود، بین اهداف نهایی مسئولیت کیفری و مسئولیت اجتماعی، تمایز اساسی وجود دارد. هدف مسئولیت اجتماعی طولانی مدّت و با آینده‌نگری خاصی طراحی شده است اما هدف قانون‌گذاران از وضع قواعد کیفری و ضمانت اجرای جزایی رعایت ارزش‌های موجود در جامعه فعلی می‌باشد و اساساً قانون‌گذاران در وضع قواعد کیفری در جامعه، به نیازها و ارزش‌های موجود در همان زمان توجه می‌کنند. اساساً در قوانین مختلف، سیاست قانون‌گذاران در همه‌ی کشورها، معطوف به همان جامعه و همان زمان می‌باشد در حالی که در مسئولیت اجتماعی همه‌ی اهداف در راستای توجه به نسل‌های آینده است.

دلیل اصلی این تمایز آن است که در مسئولیت کیفری نقض ارزش‌های مورد حمایت قانون‌گذار، تأثیر آنی بر جامعه دارد و چنان آثاری بر پیکره‌ی جامعه وارد می‌کند که جامعه را مجبور به واکنش سریع می‌نماید و اصولاً قانون‌گذاری در امور کیفری نیز در همین راستا و برای پاسخ به این نیاز است. اما در مسئولیت اجتماعی هرچند به دلیل اقدام‌های شرکت به اقتصاد و جامعه و محیط زیست لطمه وارد می‌شود اما این اقدام‌ها اغلب غیرمحسوس یا غیر فوری بوده و به‌طور معمول آثار آن در دراز مدت آشکار می‌شود و از این‌رو جامعه نیز احساس نقض ارزش‌های مورد حمایت نسبت به آن ندارد تا واکنشی در حد ضمانت اجرای کیفری از خود نشان دهد.

۳-۱-۳. تفاوت در ارکان مسئولیت

علم، عمد، قصد، اختیار و بلوغ، ارکان مسئولیت کیفری هستند. از این‌رو این نوع مسئولیت فقط متوجه شخص ذی شعور که با علم و عمد و اختیار جرمی را انجام داده باشد، می‌شود. بر این مبنا، اخلال در هر رکن، زمینه‌های رفع مسئولیت کیفری را فراهم می‌کند. به‌طور مثال جنون باعث زوال قوه‌ی تمییز و اختیار می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۶، ص

۸۱). اجبار و اکراه، اختیار را زائل می‌کند، صغر در مقابل بلوغ است و اشتباه، قصد را مختل می‌کند. بنابراین با لطمه به ارکان یادشده، مسئولیت کیفری مخدوش می‌شود. در مسئولیت کیفری انجام عمل مجرمانه با در نظر گرفتن شرایط پنج‌گانه‌ی یادشده، موجبات ایجاد مسئولیت را برای فاعل آن فراهم می‌کند. اما در مسئولیت اجتماعی، نقض تعهدات اجتماعی به صورت فعل یا ترک فعلی است که بلافاصله و بدون نیاز به شرایط تکلیف، مسئولیت را برای فاعل آن به دنبال دارد. به عبارت دیگر، شرایط و ارکان بیان شده برای مسئولیت کیفری، در ایجاد مسئولیت اجتماعی لازم نیست.

این نبود نیاز به شرایط عامه‌ی مسئولیت بدین صورت توجه می‌شود که در نقض تعهدات اجتماعی، ضرری که به جامعه وارد شده است، جز با جبران آن توسط فاعل زیان ممکن نخواهد بود و صرف انجام فعل زیان‌بار برای تحقق مسئولیت کافی خواهد بود و در نتیجه نوعی مسئولیت مطلق را بر فاعل آن تحمیل می‌کند.

دلیل دیگری که برای آن بر شمرده‌اند این است که با تحوّل تاریخی در مفهوم مسئولیت اجتماعی، امروزه شخص حقوقی موضوع اصلی این نوع مسئولیت بوده و برای شخص حقیقی چنین مسئولیتی متصور نیست. در اشخاص حقوقی نیز به صرف رخ دادن فعل زیان‌بار، زمینه‌ی تحقق مسئولیت اجتماعی فراهم می‌شود.

۳-۱-۴. تفاوت در اجرای کیفرها

اساساً اجرای برخی از کیفرها نسبت به اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نیست و یکی از ایرادات اصلی در مورد شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، همین عدم امکان اعمال برخی کیفرها نسبت به این اشخاص است (اردبیلی، ۱۳۸۶، ص ۲۱). در این موارد، مفهوم اصلی کیفر قابل اعمال به این اشخاص نیست و تناسب چندانی با مجازات اعمال شده ندارد. به طور مثال هر چند کیفر مرگ به صورت دیگری در باره‌ی اشخاص حقوقی قابل اجراء است اما در واقع این نوعی فرافکنی است. چراکه چنانچه بپذیریم که برچیده شدن فعالیت شخص حقوقی معادل مرگ می‌باشد (همان، ص ۲۲) اما این واقعیت انکارناپذیر است که این گونه تعابیر چیزی جز استعاره و مجازگویی نیست و در عمل و عالم واقع، مؤسسان شخص حقوقی پس از اعمال کیفر مرگ این امکان را دارند که



شخص حقوقی را با همین ساختار و حتی نامی مشابه که تداعی کننده‌ی شخص حقوقی قبلی باشد دوباره ایجاد و زنده کنند در حالی که مرگ اشخاص حقیقی هرگز چنین نیست. در مسئولیت اجتماعی، اعمال ضمانت اجرا، مشکلات اعمال مجازات در مورد اشخاص حقوقی را در پی ندارد. زیرا اساساً این گونه مسئولیت و تبعات آن برای اشخاص حقوقی و مختص ایشان تکامل یافته است. همان طور که در تاریخچه‌ی مسئولیت اجتماعی بیان شد، هر چند در ابتدا مسئولیت اجتماعی برای اشخاص حقیقی در نظر گرفته شده بود و بنیان‌گذار این نوع مسئولیت، آقای هاوارد بوون، آن را برای اشخاص حقیقی در نظر گرفته بود اما در عمل این نوع از مسئولیت متناسب با ماهیت و ساختار شرکت‌ها رشد و نمو کرد تا آنجا که امروزه به شرکت‌ها اختصاص یافته است (Carroll, 1999, p. 28). از سوی دیگر، به دلیل لطمه‌هایی که اغلب در نتیجه‌ی فعالیت شرکت‌های تجاری به جامعه وارد می‌شود، این نوع از مسئولیت، به اشخاص حقوقی اختصاص داشته و نسبت به اشخاص حقیقی قابلیت اعمال ندارد. عمده‌ی دلیلی که برای این استدلال آورده شده توسعه‌ی فزاینده‌ی شرکت‌های تجاری و استفاده‌ی بی‌رویه‌ی آن‌ها از منابع طبیعی و آسیب‌هایی است که در نتیجه‌ی فعالیت آن‌ها به جامعه وارد می‌شود (Amandine, 2008, p.168). نکته‌ی دیگر در این باره آن که اجرای کیفرها در مسئولیت‌های اجتماعی متناسب با تعهداتی می‌باشد که تخطی از آن‌ها انجام شده است. دلیل این موضوع آن است که اساساً اشخاص حقوقی از نظر اساسنامه‌ای که دارند، در حیطه‌ی خاصی به فعالیت می‌پردازند و تخطی از تعهدات اجتماعی توسط ایشان، دایره‌ی مشخصی دارد و به همین دلیل است که کیفر اعمالشان متناسب با تعهدات آن‌هاست (Bruno, 2009, p.122).

۳-۱-۵. تفاوت در استقبال عمومی از مسئولیت کیفری و مسئولیت اجتماعی

به دلیل وجود کیفرهای سرکوب‌گرانه و ترذیلی در مسئولیت کیفری، اشخاص تمایل زیادی به استفاده از این نوع مسئولیت در مقابله با نقض تعهدات و ارزش‌های مورد حمایت جامعه دارند. اقدام‌های سرکوب‌گرانه به‌طور کامل شناخته شده، مورد حمایت قانون‌گذار و اقبال عمومی هستند. فرهنگ عمومی مردم نیز به سمت و سوی استفاده از ضمانت اجرای کیفری است. دلیل این موضوع را می‌توان قدمت مسئولیت‌های کیفری و ضمانت اجرای آن، ملموس بودن این نوع مسئولیت و جنبه‌ی پیشگیرانه‌ی آن دانست.

اما در مقابل، و به دلایل گوناگون، استقبال عموم نسبت به مسئولیت اجتماعی بسیار کمتر است. هرچند ریشه‌ی این اصطلاح قدمت طولانی در ادبیات حقوقی جهان دارد اما در ایران سابقه‌ای با این عنوان ندارد. البته به عقیده‌ی عدّه‌ای، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ایران نیز در قالب نهادهایی مانند وقف و قرض‌الحسنه تجلی می‌یابد (امیدیانی، ۱۳۸۷، ص ۹۵). این سنت‌های حسنه و به‌طور مشخص وقف، صرفاً در زمینه‌ی ساخت مدرسه و مسجد خلاصه می‌شود در حالی که مسئولیت اجتماعی، ابعاد گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. پس به‌طور خلاصه می‌توان گفت دو دلیل عمده باعث پیشرفت نکردن مسئولیت اجتماعی در کشور ایران شده است اول این که شناخت گسترده‌ای از مسئولیت اجتماعی در قیاس با مسئولیت کیفری وجود ندارد و تمایل قانون‌گذار نیز به سمت و سوی اجرای تضمین‌های حقوق کیفری درباره‌ی نقض تعهدات اجتماعی می‌باشد. دوم این که می‌توان عدم شناخت مردم نسبت به حقوق‌شان در مقابل شرکت‌هایی که در سطح منطقه‌ی زندگی آنان فعالیت می‌کنند، دانست. چنان‌چه مردم جامعه بدانند شرکتی که از منابع طبیعی محل زندگی آنان استفاده می‌کند، وظیفه دارد حداقل نیمی از منابع تولیدی خود را به ساخت و ساز زیر بناها، توسعه‌ی آموزش، ایجاد امنیت، حفظ محیط زیست و مسائلی از این دست اختصاص دهد، به‌طور قطع اینها را از شرکت مطالبه خواهند کرد. البته در این میان وظیفه‌ی رسانه‌های گروهی و متولیان امر فرهنگ عمومی و مراجع قانونی بسیار مهم است. باید گفت که عدم واکنش مناسب توسط جامعه نسبت به نقض ارزش‌ها و حقوق جامعه، از موضوعات مهمی است که به‌طور مستقل از نگاه جامعه‌شناسی حقوقی قابل بحث و بررسی است. از جمله در جرم‌های یقه سفیدان نیز جامعه به دلیل عدم اطلاع کافی از جوانب موضوع و یا پیچیدگی و تخصصی بودن آن، واکنش مناسب از خود نشان نمی‌دهد. این موضوع از نظر علمی بحث مستقلی با ادبیات خود را می‌طلبد.

۳-۲. تشابه و تعامل مسئولیت کیفری و مسئولیت اجتماعی

۳-۲-۱. شباهت در مبانی

به‌طور کلی همه‌ی انواع مسئولیت به نوعی در اصل مسئولیت مشترک هستند. در این امر دو موضوع مقدر و مستتر است: اول این که امکان بازخواست در مورد موضوع مسئولیت وجود دارد، و دوم این که ضمانت اجرایی به دنبال پدیداری مسئولیت قابل تصور است. از



این رو هر چند دامنه، قلمرو و ضمانت اجرای انواع مسئولیت‌ها با یکدیگر تفاوت دارد اما نقطه‌ی مشترک پذیرش اصل موضوع است. به طبع تفاوت در قلمرو و دامنه‌ی مسئولیت نیز ناشی از ماهیت آن می‌باشد. بنابراین همان‌طور که مسئولیت کیفری و مدنی با یکدیگر از این جهت تشابه و البته از سایر جهات یادشده با یکدیگر تمایز دارند، مسئولیت اجتماعی و کیفری نیز به همین ترتیب شباهت دارند. به عبارت دیگر اشتغال ذمه در مسئولیت پدید می‌آید اما به طبع تفاوت‌های ماهوی موجب پدیداری تفاوت در قلمرو و آثار آنان نسبت به یکدیگر می‌شود.

۲-۳. شباهت در اهداف بنیادین

هنجارهای اجتماعی ارزش یکسانی ندارند. این ارزش‌ها ریشه در عرف و سنت و اعتقادات مذهبی دارند. هر چند دامنه‌ی این ارزش‌ها بسیار وسیع است اما از حمایت یکسانی توسط جامعه برخوردار نیستند. به طور کلی هر گاه جامعه برای هر یک از ارزش‌ها، منزلت و جایگاه والاتری قائل باشد، به طبع حمایت جدی‌تری را اعمال می‌کند. بر این اساس واکنش‌ها یا ضمانت اجراها نیز به همین منوال به صورت تقبیح اجتماعی تا کیفر و مجازات‌های سنگین و متناسب با میزان لطمه‌ای که شخص مرتکب به ارزش‌ها وارد کرده، ظاهر می‌شود. بر این اساس مجازات، سنگین‌ترین واکنش است که هنگام تحقق مسئولیت کیفری اجرا می‌شود. در حالی که در سایر موارد شاید جامعه واکنش خفیف‌تری را در مقابل عمل شخصی در نظر بگیرد. البته نکته‌ی ظریفی که در اینجا وجود دارد آن که عدم واکنش جدی و یا کیفری به معنای آن نیست که عمل ارتكابی شخص در نقض ارزش‌ها لزوماً اهمیت کمتری داشته است. بلکه گاهی عدم واکنش سنگین جامعه به لحاظ عدم آشنایی کافی با نوع عمل و یا آثار آن به دلایل گوناگون از جمله تخصصی بودن آن می‌باشد. بسیاری از مواردی که برای اشخاص مسئولیت اجتماعی به دنبال دارد، در حقیقت موضوع‌های مهمی هستند که شاید جامعه هنوز با ابعاد و یا اهمیت آن آشنا نباشد و در نتیجه صرفاً واکنشی در حد غیر کیفری از خود بروز دهد. در عین حال شاید به مرور زمان علم و آگاهی جامعه افزایش یابد و یا ابعاد آن موضوع روشن‌تر شود و در نهایت واکنشی غلیظ‌تر و شدیدتر و از نوع کیفری از خود نشان دهد. موضوعی که اهمیت دارد این که هدف اصلی در هر دو نوع مسئولیت کیفری و اجتماعی حمایت از ارزش‌های اجتماعی

است اما تفاوت در میزان ضمانت اجراها شاید لزوماً مبتنی بر معیارهای واقعی و استوار نباشد. کما این که همین موضوع در مورد جرم‌های یقه سفیدان، در بسیاری از موارد دامنه‌ی تأثیرگذاری اعمال ارتكابی توسط مرتکبان، بسیار گسترده‌تر از اعمال ارتكابی توسط مجرمان یقه آبی است اما در عمل شاید واکنش و یا ضمانت اجرای مربوط به آن بسیار خفیف‌تر از واکنش مربوط به جرم‌های یقه آبی‌ها باشد.

۳-۲-۳. تعامل در قلمرو مشترک

همان‌طور که اشاره شد، ارزش‌های اجتماعی به انحاء مختلفی مورد حمایت قرار می‌گیرد. برخی از ارزش‌ها به وسیله‌ی مسئولیت کیفری و برخی دیگر از طریق مسئولیت اجتماعی تضمین می‌شوند. در عین حال پاره‌ای از موضوع‌ها بنا به مصالح اجتماعی، تلفیقی از حمایت‌ها را دربر دارند.

به‌طور کلی قلمرو حمایتی مسئولیت کیفری ارزش‌های عرفی، سنتی و مذهبی جامعه است. از سوی دیگر در حیطه‌ی مسئولیت اجتماعی، آن‌چه که مورد حمایت قرار می‌گیرد، اجتماع، اقتصاد و محیط زیست می‌باشد. از مقایسه‌ی دامنه‌ی دو مسئولیت با یکدیگر این نتیجه به دست می‌آید که حقوق کیفری به لحاظ وسعت قلمرو، می‌تواند از هر سه موضوع مورد بحث در حیطه‌ی مسئولیت اجتماعی حمایت کند. به‌طور کلی در جرم‌انگاری اعمال مجرمانه، هدف حمایت از جامعه نیز مستتر است. به همین لحاظ هر چند مجازات به نوعی ضمانت اجرای اجتماعی به شمار می‌آید؛ اما در پاره‌ای از جرم‌ها علاوه بر آن، واکنش‌های صریح‌تر اجتماعی نیز به همراه مجازات ظاهر می‌شود. این نوع جرم‌ها در عین حال که ضمانت اجرای کیفری دارند، از ضمانت اجرای اجتماعی نیز بهره‌مند می‌شوند. برای مثال جرم چک بلا محل هردو نوع مسئولیت را برای صادرکننده‌ی آن به دنبال دارد. توضیح آن که قانون‌گذار کیفری در راستای حمایت از فضای کسب و کار و به منظور مصون کردن جامعه از نقض تعهدات اجتماعی دو نوع ضمانت اجرا برای صادرکننده‌ی چک بلا محل در نظر گرفته است. زیرا صادرکننده‌ی چک بلا محل، ضمن لطمه به طرف مقابل خود، با نقض تعهدات اجتماعی، هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کند و در عمل به فضای کسب و کار و اعتماد لازم برای انجام معاملات لطمه وارد می‌کند. به همین دلیل پاره‌ای از

مواد قانون صدور چک (از جمله ماده ۲۱) علاوه بر جنبه بازدارندگی، به نوعی تضمین و واکنش در قبال نقض تعهد اجتماعی به شمار می آید و از این طریق صادرکننده چک بلامحل باید عواقب نقض تعهدات اجتماعی خود را علاوه بر مسئولیت کیفری پذیرا باشد.^۱ این گونه تمهیدات و واکنش های قانونی نشان دهنده ارتباط و تعامل بین مسئولیت کیفری و اجتماعی بوده و دلالت بر آن دارد که این دو نوع مسئولیت در بسیاری از موارد مکمل یکدیگر در حمایت و تضمین ارزش های اجتماعی به شمار می روند. به گونه ای که اجرای توأمان آن ها نتایج مطلوب و مورد نظر را به دنبال خواهد داشت. بیان این نکته در این مجال خالی از فایده نخواهد بود که اقبال قانون گذاران بر این است که در حد امکان با استفاده از راهکارهای غیر کیفری و با تقویت مشارکت اجتماعی از ارزش های مورد نظر جامعه حمایت کنند.

از سوی دیگر استفاده از ضمانت اجرای کیفری برای تضمین رعایت تعهدات مدنی و اجتماعی امر جدیدی نیست. به طور مثال در حیطه تعهدات مدنی، ماده ۲۱۹ قانون مدنی، معامله به قصد فرار از دین را باطل اعلام می کند. بطلان این نوع معامله، مسئولیت مدنی را برای طرفین عقد فراهم می آورد. قانون گذار کیفری این فعل مغایر با عرف و ارزش های جامعه را به موجب ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، جرم انگاری کرده است. در پاره ای موارد قلمرو ضمانت اجرای کیفری از این فراتر هم می رود. به طور مثال ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، کلاهبرداری و اختلاس، قانون گذار در

۱ ماده ۲۱ اصلاحی ۱۳۷۲ بانک ها مکلفند کلیه حساب های جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آن ها منجر به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز نکنند. مسوولان شعب هر بانکی که به تکلیف یادشده عمل نکنند حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازات های مقرر در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیات رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد.

تبصره یک: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل کرده اند به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری کند و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانک های کشور قرار دهد.

تبصره دو: ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت افراد از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانک ها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیات دولت می رسد.

راستای تضمین ارزش‌های جامعه و عدم حمایت از بیعی که با کلاهبرداری منعقد شده است، از هر دو نوع ضمانت اجرای حقوقی و کیفری توأمان استفاده می‌کند. به عبارت دیگر علاوه بر ضمانت اجرای کیفری، مقرر می‌کند که مرتکب جرم باید مال مورد جرم را به صاحبش بازگرداند. این ضمانت اجرا یعنی حقوق کیفری در حیطه‌ی تعهدات مدنی دخالت می‌کند؛ چرا که لازمه‌ی رد اصل مال به صاحب آن اعلام باطل شدن عقد است. حال آن که فقط بیع باطل در تملک بلا اثر بوده و آثار تملک را به دنبال ندارد (ماده‌ی ۳۶۵ قانون مدنی). از این رو شاید بیع به نحو صحیح و بدون ایجاد حق فسخ به وجود آمده باشد اما از نظر احراز عناصر کلاهبرداری مشمول هر دو ضمانت اجرای بیان شده می‌شود.

بنابراین ملاحظه می‌شود که تعهدات مختلف در شاخه‌های گوناگون حقوق از ضمانت اجرای کیفری سود می‌برند. به همین ترتیب گاهی مسئولیت کیفری به عنوان پشتوانه‌ای برای مسئولیت اجتماعی موجب تقویت آن می‌شود. زیرا اساساً ضمانت اجرای کیفری بالاترین تضمین و سخت‌ترین واکنش در قبال نقض ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به شمار می‌رود. البته این امر به منزله‌ی سست و یا ضعیف بودن ضمانت اجرای کیفری نیست. اساساً برخی از تعهدات اجتماعی، به طبع ضمانت اجرای کیفری ندارند. به عنوان مثال می‌توان از تعهدات شرکت‌های تجاری به آموزش در سطح جامعه و یا تکریم ارباب رجوع و یا التزام به مطلوبیت کامل کالا نام برد که در این گونه موارد هر چند نقض آنها ضمانت اجرای کیفری را به دنبال ندارد اما ضمانت اجرای اجتماعی آن به گونه‌ای است که در عمل از ضمانت اجرای کیفری اثر گذارتر می‌باشد. زیرا نقض این گونه امور موجب از دست رفتن مشتری و حیات تجاری شرکت می‌شود. براین اساس می‌توان گفت که ضمانت اجرای اجتماعی در جای خود می‌تواند از ضمانت اجرای کیفری اثر گذارتر باشد. البته همان‌طور که اشاره شد منظور از این امر به دلیل تأثیر گذاری است و نه ماهیت سخت و یا خشن آن.

نکته‌ی دیگر در تبیین مرز بین دو نوع مسئولیت آن است که هر چند شکل و ماهیت ارزش‌هایی که در این دو دسته مسئولیت‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرند در بسیاری از موارد با یکدیگر مشابه و حتی گاهی بر یکدیگر منطبق هستند اما در برخی موارد نیز با یکدیگر تفاوت دارند. تفاوت اساسی در آن است که دامنه‌ی ارزش‌های مورد حمایت در قلمرو مسئولیت کیفری نسبت به مسئولیت اجتماعی گسترده‌تر بوده و شامل انواع متفاوت



فعالیت‌های انسان می‌شود. از این رو دامنه‌ی آن جرم‌های علیه اشخاص تا حقوق اجتماعی را دربر می‌گیرد. اما در مسئولیت اجتماعی هرچند دامنه‌ی تعهدات مرتبط با آن به پهنای جامعه گسترده است اما موضوع‌های آن محدود به موارد مشخص و صرفاً اشخاص حقوقی می‌باشد. بدین معنا که نقض تعهدات اجتماعی برای اشخاص حقیقی مسئولیت فراهم نمی‌آورد و صرفاً باعث مسئولیت برای اشخاص حقوقی می‌شود. همین محدودیت موجب تفاوت جدی بین دو مسئولیت و میزان اثرگذاری آنها می‌شود. در عین حال از نظر آن که تعهدات اجتماعی اشخاص حقوقی مبتنی بر ارزش‌های اساسی جامعه است، در جای خود حمایت کیفری را نیز جلب می‌کند. این خصیصه موجبات تعامل در عین تقابل دو مسئولیت را فراهم می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئولیت اجتماعی، مسئولیت ناشی از نقض تعهدات اجتماعی است که از نظر مبنایی بودن، غالب مسئولیت‌ها از آن نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر زندگی اجتماعی مجموعه تعهدات و مسئولیت‌هایی را به دنبال دارد که همگی از سنخ مسئولیت اجتماعی است اما جامعه برای هر یک از رفتارها واکنشی متناسب با آن را پیش‌بینی می‌کند. به همین جهت ضمانت اجرای مختلف از جمله مسئولیت‌های حقوقی، کیفری، اخلاقی و اداری همگی به نوعی از مسئولیت اجتماعی نشأت می‌گیرند. در تمام نوشته‌های حقوقی، به چهار نوع مسئولیت پیش گفته اشاره شده است. گویی که از تمام افعال خلاف عرف، قانون و تعهدات، مسئولیت‌هایی از نوع حقوقی، کیفری، اخلاقی و اداری به وجود می‌آید. با توسعه‌ی نیازهای بشری، دیگر این گفته به نحو مطلق قابل پذیرش نیست. باید از نوع جدیدی از مسئولیت صحبت کنیم که هرچند خود از جهتی ریشه‌ی تمامی مسئولیت‌ها است اما هنگام پاسخ‌دهی به آن‌ها باید در عرض سایر مسئولیت‌ها قرار گرفته، نوع جدیدی از ضمانت اجرا را برای آن در نظر گرفت.

اساساً اشخاص و به ویژه اشخاص حقوقی، در جامعه‌ای که فعالیت دارند، از منابع، نیروی کار، دستاوردهای انسانی، محیط طبیعی و اجتماع (در مفهوم گسترده‌ی خود) استفاده می‌کنند و در قبال این استفاده، تعهداتی فراقانونی و البته مستقل از چهار نوع تعهد پیش گفته برعهده دارند که امروزه با عنوان "تعهدات اجتماعی" مورد بحث قرار می‌گیرد.

این تعهدات مستقل از سایر انواع تعهدات بوده و نقض آن‌ها، "مسئولیت اجتماعی" را به دنبال می‌آورد. بنابراین مسئولیت اجتماعی، مسئولیتی مستقل از سایر انواع مسئولیت‌ها است که الزاماتی از قبیل الزام به استفاده از نیروی کار محیطی که شخصیت حقوقی در آن فعالیت می‌کند، آموزش‌های همگانی به اعضای جامعه، الزام به حفاظت از محیط زیست و ... را به دنبال دارد.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت تعهدات اجتماعی که زمینه‌ساز مسئولیت اجتماعی هستند، اول این که فراقانونی هستند؛ یعنی در قوانین کشورهای مختلف دنیا کمتر پیش‌بینی شده‌اند و اشخاص حقوقی بر مبنای الزام باطنی و دلایلی از قبیل افزایش شهرت تجاری، کسب اعتبار و ... اقدام به رعایت آن می‌کنند. دوم این که هر چند ذاتاً ضمانت اجرای قانونی ندارند؛ اما ضمانت اجرای مختلف اجتماعی پشتوانه‌ی آن است تا جایی که حتی در عمل باعث از بین رفتن و برچیده شدن شخص متخلف از هنجارهای اجتماعی می‌شود. به طور مثال شرکتی که تعهدات مرتبط با حقوق بشر را رعایت نمی‌کند، در عمل به دلیل اعتراض گسترده‌ی مردم مشتریان خود را از دست می‌دهد و با عواقب گوناگون آن مواجه می‌شود. سوم این که در بسیاری از موارد مسئولیت اجتماعی از ضمانت اجرای‌های حقوقی، کیفی، اخلاقی و اداری به دلیل نبودن ضمانت اجرای قانونی معین بهره‌مند می‌شود. به عبارت دیگر، مسئولیت اجتماعی زمینه‌ساز پدیداری برخی از انواع مسئولیت‌ها می‌شود که اغلب با ارتقای سطح آگاهی عمومی به صورت مسئولیت مدنی و یا کیفی مورد مطالبه‌ی جامعه قرار می‌گیرد. بنابراین در تبیین رابطه‌ی بین مسئولیت اجتماعی و مسئولیت کیفی می‌توان گفت که هر دو نوع از مسئولیت در عرض یکدیگر هستند که هر یک ضمانت اجرای خود را دارند. در عین حال به دلیل آن که مسئولیت اجتماعی ضمانت اجرای قانونی ندارد، در پاره‌ای موارد از ضمانت اجرای حقوقی، کیفی، اخلاقی و اداری بهره می‌برد اما در هر حال از نظر ماهیت، مسئولیتی مستقل و جداگانه از سایر مسئولیت‌ها و با دامنه و بُرد خاص خود دارد که شامل اجتماع در مفهوم گسترده‌ی خود می‌شود. لازم به یادآوری است که وقتی از نبود ضمانت اجرای قانونی سخن می‌گوییم، این امر به منزله‌ی نقصان برای مسئولیت اجتماعی به شمار نمی‌آید. زیرا جامعه پشتوانه‌ای مستحکم و کارآمد برای ضمانت اجرا محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، اجرای مجازاتی محدود به چند ماه حبس و یا پرداخت جریمه، به طور قطع نمی‌تواند برای برخی از



اقدام‌هایی که مسئولیت اجتماعی را فراهم کرده کافی باشد. بلکه مقابله‌ی جامعه با یک موضوع و مواجهه‌ی افکار عمومی با آن و در نتیجه نفی و انزجار عمومی نسبت به یک موضوع، به مراتب برای ادامه‌ی فعالیت و حتی حیات یک شرکت، سنگین و پر مخاطره‌تر می‌باشد. بنابراین آنچه در زمینه‌ی مسئولیت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند، آگاهی و دانش عمومی است تا جهت‌گیری اجتماع را به‌دنبال آورد. در این صورت ضمانت‌آجراهایی از نوع اجتماعی، شخصیت حقوقی را به عذرخواهی در جرایم کثیرالانتشار، جمع‌آوری محصولات مغایر با فرهنگ عمومی و انجام اقدام‌های فرهنگی و مواردی از این قبیل مجبور می‌کند. به‌طبع این ضمانت اجرا از دو جنبه مفید به فایده به نظر می‌رسد: اول این که شرکت متخلف از تکرار آن عمل خودداری و برای حفظ موقعیت خویش، خود را با ارزش‌های مورد احترام جامعه تطبیق خواهد داد. دوم این که جامعه به لحاظ مواجهه‌ی جمعی با موضوع و اجبار متخلف به تمکین از ارزش‌های اجتماع، تشفی خاطر یافته و به نوعی ضررهای معنوی‌اش (که مقدم بر ضرر مادی است) جبران می‌شود.

منابع

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: میزان.
- امیدیانی، سید حسین (۱۳۸۹). نقش سنت حسنه وقف در توسعه علم و جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت ها، پژوهشنامه ۲۱ مسئولیت اجتماعی سازمان ها، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۸۹-۱۳۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه‌ی گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). مسئولیت مدنی، ضمان قهری، تهران: انتشارات دهخدا.
- ----- (۱۳۸۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ایران، منتشر شده در نامه اتاق بازرگانی، بی نا، بی تا
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۸). جرائم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
- ----- (۱۳۸۸). جرائم علیه اموال، تهران: نشر میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۸۸). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- همت فر، اصلانی م. و لطفعلیان ف. (۱۳۹۱). نقش حسابداری و حسابرسی محیط زیست در دستیابی به توسعه پایدار در چارچوب مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست.
- Allouche, J., Huault, I. et Schmidt, G. (s. d.).(2005) Responsabilité sociale des entreprises : La mesure détournée? In Université Paris-Dauphine. Base de publications de recherche de l'université Paris-Dauphine.
- Barthélémy, Amandine. (2008) Vivre l'entreprise responsable : salariés et dirigeants face aux défis de la responsabilité sociale. Paris, Ed. Autrement, 281 p. Salle D – Prisme – [089.316 BART v]
- Boidin, B.(2009) La responsabilité sociale des entreprises : une perspective institutionnaliste. Villeneuve d'Ascq, Presses universitaire du Septentrion.
- Bouloc, B.(2009) Responsabilité pénale des personnes morales : une bévue législative ?. *Recueil Dalloz Sirey*, n°34.



- Capron, M. (2009). La responsabilité sociale d'entreprise. *dans* L'Encyclopédie du Développement Durable
- Carroll Archie, B.(1999). Corporate Social Responsibility – Evolution of a Definitional Construct. *Business and Society*, n° 38(3)
- Danti-Juan, M.(2008) La pénalisation des responsabilités politiques en droit interne et en droit international. Paris, Ed. Cujas, 245 p.
- Debray Régis.(2000) L'emprise, Gallimard, Paris.
- Delalieux G.(2005) L'influence des idéologies dans le développement de la RSE, <http://ias2005.free.fr>.
- Drucker P.(1957) La pratique de la direction des entreprises, The practice of management, Traduit de l'américain par le bureau des temps élémentaires, Les éditions d'organisation, Paris.
- Dubois,D.(2008) La responsabilité pénale, civile et administrative dans les établissements sociaux et médico-sociaux , bulletin d'informations du CREA Bourgogne n°278 .
- Field, L.(2008) Leçons de bouddhisme pour l'entreprise, Maxima, Paris.
- Frederick Wc, Davis K., Poet J.(1988) Business & society corporate strategy, public policy, ethics, Mc Graw Hill, 6th Ed.
- Friedman M. (1970) The social responsibility of business is to increase its profits, The New York magazine,. <http://webcache.googleusercontent.com>.
- Gendron, c., J.-P. Revéret. (2000). « Le développement durable ». *Économies et Sociétés*, vol. F, no 37.
- Gond JP, Mullenbach-Servayre A. (2004) Les fondements théoriques de la responsabilité sociétale de l'entreprise. *La Revue des Sciences de Gestion*, n° 205.
- John Martin, Fisher.(2002)recent work on Responsibility ,journal of Ethics, v. 110, No 1.
- Joras M., Igalens J. et Mancy F.(2002) La responsabilité sociale de l'entreprise, comprendre, rédiger le rapport annuel, Editions d'organisation.
- Malabat, V. (2009) Responsabilité et irresponsabilité pénale. *Cahiers du Conseil Constitutionnel*, n°26.
- Mc Guire, J.W.(1963) *Business and society*, New York, Mc Graw-Hill.
- Okoye A.(2009) Theorising Corporate social responsibility as an essentially contested concept: is a definition necessary? , *Journal of business ethics*,www.ideas.repec
- Pasquero J.(2005) la responsabilite sociale de l'entreprise comme objet des sciences de gestion ; un regard historique dans Turcotte M.-F. B. et Salmon A (dir), Responsabilité sociale et environnementale de l'entreprise, Collection Pratiques et politiques sociales et économiques, Presses de l'Université du Québec.
- Pérez R. (2002) L'actionnaire socialement responsable, *Revue française de gestion*, n° 141, pp.132-145.
- Planque JC. (2009) Réflexions en matière de responsabilité pénale des personnes morales (à partir des propositions du rapport Coulon) ». *La Gazette du Palais*, n°4-6.



- Rosé J-J.(2006) La France est venue tardivement à la RSE , mais elle va vite, Responsabilité sociale de l'entreprise, <http://www.journaldunet.com>, 5/12/2006.
- Rousseau, F.(2009) L'imputation dans la responsabilité pénale. Paris, Dalloz, (Nouvelle bibliothèque de thèses, vol.89.
- Sautel, O.(2008) La responsabilité pénale des personnes morales. *Les Petites affiches*, n°122.
- Strawson P.f.(1999) freedom and resentment. re_printed in fisher and ravizza, perspectives on moral responsibility.
- Turcotte M.-F et M'Zali B.(2002) L'industrie financière et les fonds responsables ; tutti frutti et devenir, dans Tremblay D.-g. et Rolland D. (dir.), Responsabilité sociale d'entreprise et finance responsable; quels enjeux ? Sainte-Foy, Presses de l'Université du Québec.